

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

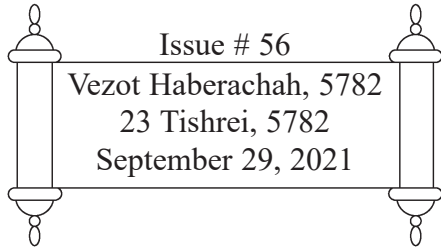
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Monday, Sept. 27, Light Shemini Atzeret Candles, by 6:24 p.m.
Tuesday, Sept. 28, Light Simchat Torah candles, after nightfall, after 7:26 p.m.
Wednesday, Sept. 29, Simchat Torah ends at 7:25 p.m.
(Times are for Los Angeles)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

JEWISH CHILDREN:

Get your own letter

in a Sefer Torah!

<http://www.kidstorah.org>

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

معنای شادی کردن با تورا می باشد و هم به معنای شادی تورا ۲۳

۷- روزها و سال ها

جشن های ما (موعیدیم) ، صرفا روزهای شادی و یا روزهایی که اتفاق و واقعه ای در آن ها رخ داده باشد نیستند. وظیفه ما این است که آنچه که در این روزها احساس می کنیم را به دیگر روزهای سال بکشانیم. آنها همچون میشکائی (محل سکونت) در طول زمان هستند که امواج نورانی مقدس این مکان همه گوشه ها و زوایای روزهای دیگر سال را در بر می گیرد.

اما زمانی که ما می خواهیم این وظیفه را انجام دهیم ممکن است که ما از بزرگی و عظمت این وظیفه دچار ترس و واهمه شویم که چگونه ما می توانیم این دنیای غیر مذهبی که اینگونه در آن خداوند پنهان شده است را پذیرای تقدس و نورالهی بکنیم؟

این پاراشا به ما این قدرت و نیرو را میدهد بخاطر آنکه در این پاراشا می بینیم که چگونه حتی آن واقعه بلاگونه ی شکستن لوحه ها ، آغاز و شروع راه برگشت به سوی خداوند شد. برگشتی بسوی خداوند که باعث شد راه هایی تازه تر و مراحل بالاتر برای رسیدن به اوج معنویت بر روی ما باز بشود. به همین علت است که به محض آنکه ما موضوع شکسته شدن لوحه ها را در "جلو چشمان همه ییسرائل ها" می خوانیم دوباره ما خواندن تورا را با کلمات آغازین "در ابتدا خداوند آفرید..." را شروع می کنیم. شخصی که بسوی خداوند برگشت کرده است می تواند در تاریکترین محدودیت های دنیای غیر مذهبی بایستد و دنیای تازه ای را خلق کند. او می تواند طراح و سازنده دنیای جدیدی باشد که در آن هر موجودی خالق خود را شناخته و هر مخلوقی قدرت و حاکمیت خداوند را درک کرده بپذیرد. ۲۴

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم ص ۲۳۷ الی ۲۴۳)
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 9, pp. 237-243)

۲۳- سفر همعماریم ۵۶۹۹ ص ۷۲ و ۶۸ رجوع شد به زوهر بخش سوم ۲۵۶ ب

۲۴- تفیلا ی روش هشانا

وزوت هبراخا

در روزسیمخت تورا روز "شادی با تورا" ، ما قرائت تورا که یکسال طول کشیده است را پایان میدهیم و دوباره از ابتدا خواندن تورا را شروع می کنیم. این آخرین پاراشای تورا، وزوت هبراخا چه ارتباطی با روز سیمخت تورا دارد؟ و چرا ما این روز را روز شادی تورا نامیده و جشن می گیریم و شاورعوت را که زمانی است که تورا به ملت ییسرائل اهداء شده است را روز شادی تورا نمی خوانیم؟ نکته ای که باید توضیح بدهیم آن است که روز شیمینی عسرت یعنی روز هشتم جشن سوکا و روز بعد از آن روز نهم که روز سیمخت تورا است اساسا یک موعد هستند. در ایسرائل جایی که برای هر موعدی اصولا یک روز جشن می گیریم این دو از هم جدا شده اند. اما اساسا این دو جشن یک جشن مذهبی هستند و در این مبحث از آن به عنوان یک موعد یاد شده است.

۱- شیمینی عَصْرَت

هارامبام^۱ در کتاب خود هیلخوت تفیلا براساس گفته های تلمود می نویسد^۲ که "در هر موعدی ما قسمتی از تورا را که مربوط به آن موعد می باشد می خوانیم و این رسم را مُشه ربنو برای ما قرار داده است". هارامبام با عنوان قسمت هائی از تورا که در هر یک از موعدها خوانده می شود ادامه میدهد و می گوید "در روز آخر جشن سوکوت ما آن قسمتی از تورا را که با کلمات "کول هبخور" (تمام اولزادگان) شروع می شود را می خوانیم و در روز بعد، پاراشای وزوت هبراخا (و این است برکتی که) را می خوانیم.

به این ترتیب علت اینکه پاراشای وزوت هبراخا در روز دوم شیمینی عَصْرَت می خوانیم صرفا نه به معنای پایان گرفتن قرائت تورا و براخای مُشه برای ییسرائل می باشد و نه به معنای پایان یافتن جشن های مذهبی^۴ و نه حتی بخاطر وصل کردن برکت های مُشه به برکت های سلیمان (- شَلْمُو هَمِلَخ) - می باشد. اگر چه همه این وقایع هم اتفاق افتاده است ولی علت اصلی آن است که رمبام اشاره می کند، پاراشای وزوت هبراخا مستقیما با خود موعد مربوط می شود.

۱- هیلخوت تفیلا ۱۳۰۸ ۲- مگیلا ۳۱ الف ۳- تفسیران بر تلمود مگیلا ۳۱ الف

۴- مخزور ویتری ۳۸۵ ۵- همان منبع اوودرهام

اما ارتباط ما بین آنها چگونه است؟

۲- ملت منحصر بفرد

در تلمود^۶ توضیحی در مورد قربانی هایی که به عنوان سمبل در جشن های سوکا و شמיینی عصرت آورده میشدند آمده است که می پرسد "هفتاد قربانی که مادر جشن سوکا می آوردیم سمبل چه بوده است؟" و جواب میدهد "سمبل هفتاد ملتی که در دنیا وجود داشته اند". و ادامه میدهد و دوباره می پرسد: "آن یک قربانی که در شمیینی عصرت می آوردیم سمبل چه بوده است؟" و جواب میدهد "سمبل تنها قوم منحصر بفرد، قوم بیسرائل".

شمیینی عصرت بنابراین روزیست که در آن این یگانه بودن و منحصر بفرد بودن قوم بیسرائل مشخص می شود و این ارتباط با پاراشای وزوت هیراخی می باشد. در این پاراشا مشه ربنو برکت های خودش را با این گفتار ها شروع می کند که "خداوند از سینای آمد و از سعیر بر آنها تابان شد و از کوه پاران بر آنها تجلی کرد". راشی این اشاره تورا به سعیر و پاران را اینگونه توضیح میدهد:

"او ابتدا خودش را به فرزندان عساو (ساکنان ناحیه سعیر) معرفی کرد و از آنها خواست که تورا را قبول کنند اما آنها نپذیرفتند. سپس او خودش را به فرزندان ایشمائل معرفی کرد که تورا را قبول کنند و آنها هم آنرا قبول نکردند". فرزندان ایشمائل و عساو در اینجا اشاره ای به تمامی دنیای غیر یهودی آن زمان است و معنای این کلمات مُشه ربنو این است که تمامی دنیا در زمان^۷ سینای این موقعیت را داشتند که تورا را قبول کنند ولی فقط بیسرائل ها، این قوم منحصر بفرد، این مسئولیت را بر خودش قبول کرد.^۸

با این حال اگر چه این خصوصیت ویژه بیسرائل پاراشای وزوت هیراخی را با شمیینی عصرت وصل می کند این مطلب بیشتر با شاعوت که زمان اهداء تورا می باشد مربوط می شود. چرا که مُشه به وقایعی که در سینای اتفاق افتاد اشاره می کند و همه این وقایع در شاعوت واقع شدند.

۳- شکسته شدن لوحه ها

توضیح این مطلب در آخرین کلمات این پاراشاست که با آنها پنج سفر تورا پایان می یابد و "دیگر پیامبری چون مُشه در میان ملت بیسرائل بلند نشد، با تمامی قدرت قوی و با تمامی هیبت

۶- سوکا ۵۵ ب ۷- اوودا زارا ۲ ب
۸- رجوع شود به لیکوتی سیخوت جلد چهارم ص ۱۳۰۹

اتفاق می افتاد را با چشمانش دید^{۲۰} چرا که فقط در این زمان بود که او پیروزی نهایی برگشت به خداوند را می توانست ببیند. آن هدف الهی که در کوه سینای آغاز شده بود و بوسیله ماشیح انجام میشد.

۵- شادی با تورا

و این مطلب ارتباط پاراشای وزوت هیراخی و شمیینی عصرت را بیان می کند. بصورت ظاهر ما می بایست جشن سیمحت تورا را در شاعوت زمانی که ده فرمان داده شد بگیریم اما بزرگترین شادی ما در زمان داده شدن دومین لوحه ها می باشد که در روز کیپور انجام شد و شمیینی عصرت پایان دوره شادی است که با روز کیپور^{۲۱} شروع می شود. با این حال سخنان آغازین مشه در این پاراشا "خداوند از سینای آمد" ... اشاره به اولین واقعه اهداء تورا می کند پس بنابراین این مطلب نیز باید با سیمحت تورا رابطه ای داشته باشد.

۶- صدیق و بعل تشووا (شخص توبه کار)

تفاوت مابین اولین لوحه های تورا و دومین لوحه ها همچون تفاوت مابین شخص صدیق و شخص بعل تشووا می باشد زمانی که اولین لوحه ها داده شد بنی بیسرائل همچون صدیق بودند و زمانی که آنها گناه کردند و بدنبال آن توبه و تشووا کردند دومین لوحه ها به آن ها داده شد. عظمت افراد صدیق در این است که آنها بر طبق قانون تورا زندگی می کنند ولی آنان که توبه و تشووا می کنند به مرحله ای بالاتر از صدیق میرسند^{۲۲} اساس این مرحله بر پیوند مابین انسان و خداوند است که این پیوند حتی در زمانی که انسان از فرمان خداوند سرپیچی می کند نیز هنوز وجود دارد. به این ترتیب در زمان اهداء اولین لوحه های تورا بیسرائل ها از تورا الهام می گرفتند. اما در زمان دومین لوحه های تورا آنها خودشان به تورا الهام میدادند. آنها به ورای قوانین تورا رسیده بودند، به آن حالت وحدت ذاتی مابین خداوند و بیسرائل.

و این است ارتباط "وزوت هیراخی" با سیمحت تورا. پاراشا با موضوع اولین لوحه ها شروع می شود زمانی که بیسرائل ها با تورا شادی و زندگی می کنند و با دادن دومین لوحه ها یعنی زمانی که تورا با بیسرائل ها شادی و زندگی می کند پایان می یابد. بصورت مشابه سیمحت تورا، هم به

۲۰- سیفری و راشی بر دوایم ۲۴ ج ۲۱- اور هتوراه شمیینی عصرت ص ۱۷۷۹
۲۲- رجوع شود به لیکوتی تورا اخری ۲۶ ج - درخ میتصوتخا میتصوت ویدوی و تشووا

بعد عنوان می کند. و این بخودی خود نشان میدهد که این درستی و صداقت عمل مُشه بصورت کامل آشکار نشد مگر در پایان و اواخر عمر او. توضیح این مطلب در تلمود^{۱۳} آمده است که بیسرائل ها گوساله طلایی را درست کردند که به این وسیله نمونه ای باشند برای کسانی که تشووا کرده و بسوی خداوند برگشت می کنند. و اینکه خداوند اجازه داد که بیسرائل ها وسوسه بشوند و گوساله را بسازند فقط بخاطر آن بود که در نهایت برگشت کنند و برگشت آنها بسوی خداوند نیز برگشتی بی سابقه بود. نوعی از برگشت (تشووا) که آنها را به درجه معنوی رسانید که بالاتر از زمانی بود که گناه نکرده بودند.^{۱۴} به این ترتیب شکستن لوحه های اول بخاطر ساختن گوساله طلایی راه را برای ساختن لوحه های دوم آماده کرد. لوحه هایی که عظیم تر و بزرگتر از لوحه های اولی بوده و^{۱۵} یاد آور قدرت برگشت به خداوند بوده که این برگشت نه فقط اثرات گناهان گذشته را از بین می برد بلکه حتی انسان را به مقامات روحانی بالاتری نیز میرساند. رسیدن به این نتیجه نیز قصد نهایی مشه بود. و به همین علت او تورا را به بیسرائل ها نداد. او نه فقط می خواست که احترام تورا را حفظ کند بلکه می خواست که خواسته برگشت و تشووا به سوی خداوند را در آنها بیدار کند. او همچون پدری بود که پسر نافرمانش را از خانه بیرون می کند و این بخاطر آن نیست که او را^{۱۶} از خود دور کند، بلکه فقط بخاطر اینکه عشق به برگشت به خانه را در وجود او بیدار کند. به همین علت بود که مُشه لوحه ها را در جلوچشمان همه بیسرائل ها شکست. او در^{۱۷} جلوچشمان همه مردم این عمل را انجام داد که همه شاهد آن باشند و به این وسیله برای همیشه متاثر بشوند. به همین علت است که روز هفدهم تموز یعنی زوزی که موشه لوحه هارا^{۱۸} شکست در آینده به روز جشن و شادی تبدیل خواهد شد.^{۱۹} در حال حاضر ما فقط شاهد اثرات آنی ساختن گوساله طلایی هستیم یعنی رنج های دربدری و بسیاری از حوادث ناگوار که در همین هفدهم تموز واقع شد و به این خاطر ما روزه می گیریم. اما زمانی که برگشت ملت بیسرائل بسوی خداوند کامل بشود این روز به روز شادی تبدیل خواهد شد. اما فقط زمانی که دستور ساختن لوحه های دوم داده شد، خداوند بخاطر شکستن لوحه های اول به مُشه تبریک گفت و این زمانی بود که مُشه در اواخر عمر خود بود و خداوند تصویری را از آخر ایام به او نشان داد و او همه وقایعی را که برای ملت بیسرائل تا دوباره زنده شدن مردگان

۱۳- اوردا زارا ۴ ب. راشی ۱۴- رمبام هیلخوت تشووا ۷۴ ۱۵- شמות ربّا فصل ۴۶
۱۶- رجوع شود به اورتورا و اثرات ص ۱۲۳ ۱۷- دواریم ۹۱۷ ۱۸- میشنا تعנית ۲۶ الف
۱۹- زخریا ۱۹ و ۸

عظیمی که مُشه جلوچشمان تمام بیسرائل ها انجام داد "راشی می پرسد که کلمات -" که مُشه در جلوچشمان تمام بیسرائل ها انجام داد" به چه موضوعی اشاره می کند؟ و جواب میدهد که این اشاره به زمانی است که قلب مُشه به او میگوید که لوحه ها را در جلوچشمان، تمام بیسرائل ها بشکند. اما چرا این عمل می بایست به عنوان تمجید و ستایش از مُشه تلقی بشود؟ ظاهرا اینطور بنظر می رسد که این عمل^۹ می بایست باعث ناخشنودی خداوند شده باشد. در واقع راشی در جای دیگر می نویسد که " روز مرگ افراد صدیق برای خداوند همچون روزیست که لوحه ها شکسته شدند". راشی خودش به این سؤال هم جواب میدهد که زمانی که مُشه لوحه ها را شکست خداوند با او موافقت کرد و به او تبریک گفت. تلمود^{۱۰} به ما می گوید که منطق مُشه در شکستن لوحه ها چه بود در آنجا^{۱۱} بحث می شود که اگر در مورد قربانی پسخ که یکی از ۶۱۳ فرمان تورا است تورا به ما می گوید "شخص غریبه نمی بایست از آن بخورد". در اینجا همه تورا سمیل قربانی پسخ است و همه بیسرائل ها غریبه هستند. در واقع مُشه احترام تورا را با ندادن آن به بیسرائل ها حفظ می کند و همزمان عدم شایستگی آنها را در قبول تورا تاکید می کند. به این ترتیب می بینیم که پاراشای "وزوت هیراخا" با سرزنش کردن از بیسرائل ها پایان می یابد. و در واقع پایان پاراشا با آغاز آن در تضاد است چگونه است که پاراشا با تمجید از بیسرائل ها در قبول کردن تورا شروع می شود و با سرزنش از آنها در قبول نکردن آن پایان می یابد؟ و هنوز عجیب است که آخرین کلمات تورا که تمامی هدفش بیسرائل ها هستند و اینکه بوسیله بیسرائل ها مورد قبول قرار گرفته است اشاره به شکسته شدن لوحه هایی می کند که قانون خداوند بر آنها نوشته شده بود.

۴- دومین لوحه ها و برگشت بسوی خدا

ما می بایست بگوئیم که خداوند برای شکستن لوحه ها به مُشه تبریک گفت چرا که این عمل مشه نه صرفا بخاطر احترام تورا انجام شد بلکه باعث حفظ احترام بیسرائل ها هم شد. در اینجا می بایست بخاطر داشته باشیم که خداوند فوراً در زمان شکسته شدن لوحه ها به مُشه تبریک نگفت بلکه چند روز بعد موقعی که^{۱۲} به او فرمان "برای خودت دو لوحه های سنگی همچون لوحه های اولی که شکستی بساز" را داد به او تبریک گفت. و راشی این تفسیر را که خداوند به مشه تبریک گفت را در پاراشای وزوت هیراخادر زمان مرگ مُشه یعنی چهل سال

۹- دواریم ۷ و ۱۰- شبات ۸۷ ب راشی شמות ۱۹ و ۳۲ ۱۱- شמות ۴۳ و ۱۲
۱۲- شמות ۴۳ و ۱۲- دواریم ۱۰/۲